پرفایده‌بودن و ظریف‌بودن ثوابت منطقی

شاگرد: در ادبیات هم می‌گویند که حتماً باید مضاف الیه داشته باشد.

استاد: بله؛ باید مضاف الیه داشته باشد. کلمه‌ی «متوغل در ابهام» هم همین بود. مثلاً کلمه‌ی «غیر»؛ «غیر الانسان». ما چیزی به نام «غیر» نداریم. «غیر» مفهومی است که متوغل در ابهام است. یعنی ترفندهای ذهن ما است، برای اینکه مدیریت کند. البته ظریف است. این چیزی که من می‌گویم به این معنا نیست که الآن بحث ثابتات منطقی تمام شد! هیهات! وقتی شروع شد و خواستید شناسایی کنید و با غیرشان فرق بگذارید، می‌بینید که چقدر بحث دقیق و عمیق و پُر فایده‌ای است. خُب، الآن «کلیت» به این صورت است. بشر در زبان «کل» را به کار می‌برد، اما کارکردهای جور و واجور دارد. «کل عالم» را اکرام کن، با «انظر کل بدن زید»؛ به کل بدن زید نگاه کن، خیلی فرق می‌کند. آن «کل» یعنی مجموع. «کل انسان» یعنی «کل واحد». استغراق، جمیع، حد. ما در فارسی اینها را جدا می‌کنیم. در عربی می‌گوییم «کل»، ما می‌گوییم همه و هر.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 15:33:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 15:35:53 توسط ... .